



کتابخانه اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



کتابخانه اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



کتابخانه اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران





انعام

ایک دفعہ آج کل کے خیرات
نور ۱۳۳۹

20





سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

که در پندای قنات قرین السبق در میدان بیان مریدان از افراست
 کهنش برینند هیچ عاقل نداند و در محوطات اول منطق که با
 نقش نموده اند و معرفتش از مکان و زمان بیرون ذاتش محض
 است و اشیائش و الطیف صلو و سلوات که مسطحان با کین سیر
 تحت خفیات که فیض زبانی سخن کسش معرکه عن نقص عینک
 فی المصیر در رشته ادا و سلسله املا کشید و مجلس السراپادان
 که استند شاه صاحب قرانی که از عرش آفرین هدیه است به طیف
 در کشته و ایثار عالمی که حکمت نامحاک از این خلق ظهور در
 بیست و نهم صفت او صیقل برده اند **نکته** اکسید اولین
 باورست عالم و او با شیل ذات است معنای او که هر دو ان گنوی
 غاشیه رخت و حالش بر آید و دل و جان میکشد و معالوم
 گاهی که شهر را آن عرصه خاک غبار غل برافشای وای دیدن جهات
 باز در موج بنای ایهام و بارسانان محاسن بختام

مریدان کهنه نرفته ۱۳۴۱
 ۱۰۱



۶۵۵
 باراجی

۲۵۰۲

A



که قشرب شریف قاتل التکینه علیهم و اشایهم متخا قریبا متخرو
 و سلم تسلیمات کثیرا بعد از اقامت سر اسیر حیدر و شریطه لواز مرده
 ما بقت محصور و جنین کوی بند کستری و خادم اهل صدق و یقین
 الی رجهت اطفال ایدی فقیر حقیر احمد بن تاج الدین حسن سینا الد
 احسن الله تعالی ازادیه و غفرله و لوالدیه بر ای عقد کشای
 و ادب و بر ضمیر مهر شوین اصحاب جد و طلب پوشیدن نماز کعبه
 سیکر و آفرین کار و اجبه العظیم برادر آفرینش افسر و جان شرف کل و منه
 احلی اطمینان معین و جود کامل و انشای کامل بقوت و جلال و جلال
 حزه بود موافق این مقال است **صلواتی** بر این حال آیه کریمه و ما خلفت
 و الا انزل الالی **ای مطلب** علی راجع به مداس
 معارفه و اوفی و سبیل و روشنگر شد راه نمای مسیر و محصل
 هذا دلجی مثل ایبار که بر نمایان اهل عالم و پیشوایان طوایف
 سرجه و احب و ضایع عنایت و استنار با نوار دقایق معارف



مسئله اخلاقی واجب شد و لازم کرد که در هر طریق متابعت قدم صدق
در صفای درازند و فرمان برداری آن سرور را سر بنایزه سعادت و امر برین خود سازند
و انرا از افضل طاعات و احسن قربات شمارند و این بندجانی عاصی از نما
جوانی تا بر عهدی بنایزه عاشقان جان از وسعت ششاهان نریزان
فایز متعلق میداشت که حالات رسول مختار و اوضاع عیب جبار از
قرایح سلف و روایات خلف تتبع نماید و بنظر آرد دنیا علی هذا کتب
که شتمل بود بر سیر سید المرسلین مطالعید منور و بدان الفت
و استیناس کلام داشت و کاه کاهی حکایتی که شتمل بر غزالی بود و در
افاضل و دانایان قراعدین و سلف و مجلس فضایل خورده شناسان ضو
علا و عمل و هر چه میداشت مستمعان الاستماع ان مستمع و سرور
و دند و بشر و ارقصا مقرون داشت تحسین و تقریب می نمودند و در
خلال این حال بعضی از دوستان و جمعی از مجتبان که اطاعت و فرمان برداری
ایشان واجب و لازم بود کاهی از روی التماس و استدعا و درخواست می نمودند
و کاهی از روی قدرت و استعلاء می می نمودند که درین باب کلماتی ترغیب کن
و رساله تصنیف کرد ان مشتمل بر معظمت آثار نبوی و محتوی بر تحقیقات
لباب و صطفوی ناد و ستائش از خواندن و همانرا از دانشمندان آن خطه و از
و نصیب کامل بحصول موصول کرد و کاهی بواسطه عدم اجاعت وقت
اجتماع و کاهی بسبب عدم صلاح و عیوض کثرتی از وجوه سخن پرور
بر عین تقوی و عباد و شاهد مطلوبی جهنم مقصود نمیکشاد از این
طریقی مایل دریا من اندوه و غم میکشید و جرعه از جام عذوبت و از میچشم
و یکند کثرت مایل و عیال و اقارب احوال دفع میکرد و یکچند نفر



زبان و قلم و توان مانع میشد زمانی در میان اندیش و فکر گشته
میگشتم و راه بجنبه مقصود نمیداد و لحظه در دریا اندک و غیر عظمی
خیزد و گوهر مطلوب بدست نمی آید و در ناگاه اندک غیب از کارخانه لایر پیکر
هوش رسیده که سالایدن کلام لایزال که انرا بعضی عنایت الهی و لطف بغایت
بادشاهی دانستم با وجود حال خیرات و کثرت دل و اضطراب غم خیز شد
که بجز درین مدتی در غم نبیند دل و برده فشیان کاشانه خاطر فاش را کسوت
نفس بر و خلعت تحریر پوشاند و بنظر انوار دین و احوال صدق
در آرد و چون کتب پیشین در سیر سینه السیرین صلی الله علیه و آله
مشمول بود روایات مختلفه و اقوال مشهوره خصوصاً در فضیله اهل بیت
که الحق ان کتاب قرآن اولاً و الباب در چیست براندازی بها و بحریات پس
از کوه بیغایت بود اما غایت طویل الذیل بر بجدی کطیع قاری از بیطبار
نقصه و نهضت سامع از حفظ مطلع حکایت نامقطع روایت عاجز میشد
موجب ملال و باعث کلال میکرد بدینا علی هذا نزلت روایات مختلفه و حکا
مشوعه نموده اصح روایات را آوردم و لب لباب در وضه و خلاصه و باقی کتب
معتبره که بنظر می آید جمع کرده پس الاجمال و التفصیل مرتب گردانیده
و این کتاب را اشار الیهی نام نهادم امید که نیت موافق و رجاء و ائق و آنچه
بر زبان قلم گذارد صادق باشد التماس از فضلای زمان و استعدا اعلی اهل
انکه درین روایات که ابرار نموده بنظر رضا بچند و اگر چه وی یافعی استاده
نمایند به اصل صحیح آن بنوعی تعلیمات فرمایند که رابطه عناد و شایسته تعصب
و فساد نباشد مؤلف این کتاب را بنوعی تحفه و هدایای خیر یاد آرند و من الله
و التوفیق و بهذا اتمه التحقيق و الترجیع الی المقصود بهیون الملك المعین

آقا کلام از آفرینش نور حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم عند ایشان
 غریب حکایات و نقله سرایان شهرستان عجایب و روایات عنوان احباب
 نبوی و مضمون انوار مصطفوی را برین طریق مقید اوراق و منتقش آفاق
 گردانید اند که چون حضرت حق جل و علا خواست که ستر ظلماتی عدم را از وجود
 محله کائنات که در تحت حجب عیب محبوب بود تا سر قمع کرد اند و از کارخانه
 قضا و قدر خلعت اچان بر قامت کائنات دو زان اول چیزی که از صنایع
 ازلی و خالق امر بر خلعت هستی پوشید و اول مخلوقات که درین نور محمد
 بر صلی الله علیه و آله و سلم است درین کویش ازین خاموشی بود و چهار
 نیستی پستی بر محیط لطف لاری پوشید عیان کرد بدین وسیله
 تجرید پس آنکه دان گفت در باری سرمد عیان شد بر توفیق محمد ازین جهت پس
 صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که اول ما خلق الله تعالی بود یکی و آن نور است
 و تقیل حق میگفت و مدت دو هزار سال چنانچه فرمود کشتن رابعل
 ان یخلق الله السموات و الارض الخ و بعد ازین بود در نور آفرین ملک عفو
 پیش از آنکه پافرید خدای تعالی ایمان و زمین براید و هزار سال و آن نور
 بعد از چندین سال نفسها بر آورد حق سبحانه و تعالی از انقاس متبرکه که
 نور عرش و کرسی و لوح و قلم و آسمان و زمین و ملائکه سموات و ارضین
 آفرید و جهان آفرید و روح انبیاء و اولیا و صدیقان و شهیدان و باقی بندگان
 از کافران و مسلمانیان **پس** لاجرم اصل اول عالم است سید کل نسل
 آدم است محترم بود در جهان قدیم نور او پیش از عالم و آدم و قلم و کلام
 خداوند عالم بنوشت بر لوح محفوظ کلمه طیبه لا اله الا الله محمد رسول الله
 صلی الله علیه و آله و سلم و بعد از آن نور بر بخشش شمع نبوی فرود آید

سازمان اسناد و کتابخانه ملی

جمهوری اسلامی ایران



[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible][illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible][illegible]

سپیدی ریختن سال و برود کتابت معنی مولود و ظهور و بر باره
 آتیه ای مدتی گفتند بعد مصطفی سوسری که آن در برود
 مکتوب مساوی و معروض آید در وقت مدتی در آن مکتوب است
 بر چینه خود و بعد برود هر چند که گفته حرفت و بر چینه مدتی
 کس و هرگز در یک خط معنی دهد و معنی مدتی که معنی برین معنی
 شده است و معنی هر دو است و معنی مدتی که مدتی که مدتی
 و معنی در برین معنی و معنی مدتی که مدتی که مدتی که
 معنی مدتی که مدتی که مدتی که مدتی که مدتی که
 این معنی که مدتی که مدتی که مدتی که مدتی که
 آتیه ای مدتی که مدتی که مدتی که مدتی که
 بود سال و مدتی که مدتی که مدتی که مدتی که
 در برین معنی که مدتی که مدتی که مدتی که
 بعد از آن که مدتی که مدتی که مدتی که
 حال که مدتی که مدتی که مدتی که
 گفت که مدتی که مدتی که مدتی که
 سال را مدتی که مدتی که مدتی که
 و بعد از آن که مدتی که مدتی که
 در برین معنی که مدتی که مدتی که
 بر این معنی که مدتی که مدتی که
 که مدتی که مدتی که مدتی که
 بود که مدتی که مدتی که مدتی که

[illegible]

۱. در این کتاب که در این باب است
 ۲. در این باب که در این باب است
 ۳. در این باب که در این باب است
 ۴. در این باب که در این باب است
 ۵. در این باب که در این باب است
 ۶. در این باب که در این باب است
 ۷. در این باب که در این باب است
 ۸. در این باب که در این باب است
 ۹. در این باب که در این باب است
 ۱۰. در این باب که در این باب است

بهرای جان و دین و دنیا و آخرت و این است که

روز و شب و هر وقت که در این راه باشد

میداند و هر چه در این راه است

ساخت و هر چه در این راه است

تا هر که در این راه است

هر که در این راه است

هر که در این راه است

هر که در این راه است

هر که در این راه است

هر که در این راه است

هر که در این راه است

هر که در این راه است

هر که در این راه است

هر که در این راه است

هر که در این راه است

هر که در این راه است

هر که در این راه است

هر که در این راه است

هر که در این راه است

هر که در این راه است

هر که در این راه است

هر که در این راه است

هر که در این راه است

هر که در این راه است

هر که در این راه است

هر که در این راه است

هر که در این راه است

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱. در این کتاب که در این شهر از سال ۱۰۰۰ هجری
 ۲. در این شهر از سال ۱۰۰۰ هجری
 ۳. در این شهر از سال ۱۰۰۰ هجری
 ۴. در این شهر از سال ۱۰۰۰ هجری
 ۵. در این شهر از سال ۱۰۰۰ هجری
 ۶. در این شهر از سال ۱۰۰۰ هجری
 ۷. در این شهر از سال ۱۰۰۰ هجری
 ۸. در این شهر از سال ۱۰۰۰ هجری
 ۹. در این شهر از سال ۱۰۰۰ هجری
 ۱۰. در این شهر از سال ۱۰۰۰ هجری

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

١٠٠٠

[illegible]

[illegible]

[illegible]

حادی دوم، فردا، پنجشنبه، بیاد، در، بهر، کجاست، که
 و مردان، در، حاکم، حاکم، در، کجاست، که
 و، کجاست، که، در، کجاست، که، در، کجاست، که
 و، کجاست، که، در، کجاست، که، در، کجاست، که

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

در بر کو هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود
حقا، بهر هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود
و در هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود
مکه هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود
ملازمه هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود
حقا، بهر هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود
همو در هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود
مرحمت کن و در هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود
پرنس و در هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود
نقیله ای صفت رسید که هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود
مندان و در هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود
کن و در هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود
مردم و در هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود
مخارج و در هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود
میان و در هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود
سعد و در هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود
مردی و در هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود
در هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود
و کن و در هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود
مست و در هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود
عرب و در هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود و هر چه بود

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

به و در و بی رخصت و بی رخصت و بی رخصت
 در این فرمود که بی رخصت و بی رخصت و بی رخصت
 این حدیث می باشد که در این حدیث و بی رخصت
 حتی که بی رخصت و بی رخصت و بی رخصت
 و بی رخصت و بی رخصت و بی رخصت
 که بی رخصت و بی رخصت و بی رخصت
 و بی رخصت و بی رخصت و بی رخصت
 و بی رخصت و بی رخصت و بی رخصت

که بی رخصت و بی رخصت و بی رخصت
 و بی رخصت و بی رخصت و بی رخصت
 و بی رخصت و بی رخصت و بی رخصت
 و بی رخصت و بی رخصت و بی رخصت
 و بی رخصت و بی رخصت و بی رخصت
 و بی رخصت و بی رخصت و بی رخصت
 و بی رخصت و بی رخصت و بی رخصت
 و بی رخصت و بی رخصت و بی رخصت
 و بی رخصت و بی رخصت و بی رخصت
 و بی رخصت و بی رخصت و بی رخصت
 و بی رخصت و بی رخصت و بی رخصت
 و بی رخصت و بی رخصت و بی رخصت

در این حدیث و بی رخصت و بی رخصت

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible][illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱. در این کتاب که در این شهر از طرف ...
 ۲. ...
 ۳. ...
 ۴. ...
 ۵. ...
 ۶. ...
 ۷. ...
 ۸. ...
 ۹. ...
 ۱۰. ...

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

و در آن سخن است **خوب با حق میسر است** **مهر بر من می رسد**
مهر بر من می رسد **دور از دست تو** **و در حضور من** **چشمه شادمانه بسند**
را می رسد **در حضور من** **چشمه شادمانه بسند** **را می رسد**
خوب است **تو را در حضور من** **چشمه شادمانه بسند** **را می رسد**
سعد **و در حضور من** **چشمه شادمانه بسند** **را می رسد**
خرج **و در حضور من** **چشمه شادمانه بسند** **را می رسد**
تجربه **و در حضور من** **چشمه شادمانه بسند** **را می رسد**
من **و در حضور من** **چشمه شادمانه بسند** **را می رسد**
خوب **و در حضور من** **چشمه شادمانه بسند** **را می رسد**
صفت **و در حضور من** **چشمه شادمانه بسند** **را می رسد**
ما **و در حضور من** **چشمه شادمانه بسند** **را می رسد**
نشد **و در حضور من** **چشمه شادمانه بسند** **را می رسد**
نشد **و در حضور من** **چشمه شادمانه بسند** **را می رسد**

نشد **و در حضور من** **چشمه شادمانه بسند** **را می رسد**
نشد **و در حضور من** **چشمه شادمانه بسند** **را می رسد**
نشد **و در حضور من** **چشمه شادمانه بسند** **را می رسد**
نشد **و در حضور من** **چشمه شادمانه بسند** **را می رسد**
نشد **و در حضور من** **چشمه شادمانه بسند** **را می رسد**
نشد **و در حضور من** **چشمه شادمانه بسند** **را می رسد**
نشد **و در حضور من** **چشمه شادمانه بسند** **را می رسد**
نشد **و در حضور من** **چشمه شادمانه بسند** **را می رسد**
نشد **و در حضور من** **چشمه شادمانه بسند** **را می رسد**
نشد **و در حضور من** **چشمه شادمانه بسند** **را می رسد**
نشد **و در حضور من** **چشمه شادمانه بسند** **را می رسد**

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

آمدی روی مکرر آورد و منیرا به تشنگی فرستاد و روی بلبل
 آورد و هر چند رسوبیت بر داشت میوه را با او میوه گفت
 بر می روی رسوبیت به آرمش میسپیدد و در روی میسپیدد گفت
 بار میسپیدد به آرمش میسپیدد و در روی میسپیدد گفت
 آری بعد از تشنگی میسپیدد به آرمش میسپیدد و در روی میسپیدد گفت
 میسپیدد و در روی میسپیدد به آرمش میسپیدد و در روی میسپیدد گفت
 گوید خسته در روی میسپیدد به آرمش میسپیدد و در روی میسپیدد گفت
 روح میسپیدد به آرمش میسپیدد و در روی میسپیدد به آرمش میسپیدد و در روی میسپیدد گفت
 اهل مکرر گفتند که بر روی میسپیدد به آرمش میسپیدد و در روی میسپیدد به آرمش میسپیدد و در روی میسپیدد گفت
 و میسپیدد به آرمش میسپیدد و در روی میسپیدد به آرمش میسپیدد و در روی میسپیدد به آرمش میسپیدد و در روی میسپیدد گفت
 بر روی میسپیدد به آرمش میسپیدد و در روی میسپیدد به آرمش میسپیدد و در روی میسپیدد به آرمش میسپیدد و در روی میسپیدد گفت
 و میسپیدد به آرمش میسپیدد و در روی میسپیدد به آرمش میسپیدد و در روی میسپیدد به آرمش میسپیدد و در روی میسپیدد گفت

خدایا من و منی که من
 جان دوزخ را میسپیدد به آرمش میسپیدد و در روی میسپیدد به آرمش میسپیدد و در روی میسپیدد به آرمش میسپیدد و در روی میسپیدد گفت
 محنت میسپیدد به آرمش میسپیدد و در روی میسپیدد به آرمش میسپیدد و در روی میسپیدد به آرمش میسپیدد و در روی میسپیدد گفت
 دور میسپیدد به آرمش میسپیدد و در روی میسپیدد به آرمش میسپیدد و در روی میسپیدد به آرمش میسپیدد و در روی میسپیدد گفت
 که من و منی که من
 آری خدایا من و منی که من
 غم میسپیدد به آرمش میسپیدد و در روی میسپیدد به آرمش میسپیدد و در روی میسپیدد به آرمش میسپیدد و در روی میسپیدد گفت

نشدن و ... بر موی من ... سوخته و لرزه
الامان ... در میان ...
ناله بر فست و جادو ...
خویش را مستقر ...
الکر ...
در ...
فرمود ...
و مشی ...
شاید ...
سند ...
سر ...
رموز ...
هر ...
سفر ...
کش ...
سپید ...
در ...
در ...
نظر ...
در ...
در ...

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

دانش خود ندیده رسید و بنفشه خندان معجزاتی که خدای تعالی
صورت کند و یکی روزه می خورد و او مسند او معروض مسرور
و در حدیث نکر هر روز در ساعت معصوم است و مملکت که آنقدر
کمال بدیع می رسد که حبه و در سینه ای که می گویند و ...
بود که در معجزات برسد و در میان دانه های معجزه روزه
نوع مهم در دوسه موت و چنانست که در معجزاتی که در میان
حوادث می افتد و معصوم است و رفته است که معجزات است
و حدیث در بر محبوب رسول می رسد و در سینه ای که معجزات معجز
صورت می رسد و در دوسه معجزات است که در میان
معجزات است و در میان معجزات است و در میان معجزات
کنند و در میان معجزات است و در میان معجزات
که در میان معجزات است و در میان معجزات
و در میان معجزات است و در میان معجزات
پس معجزاتی که در میان معجزات است و در میان معجزات
معجزات معجزاتی که در میان معجزات است و در میان معجزات
معجزات و معجزاتی که در میان معجزات است و در میان معجزات
فرمانی که بر او عمل می آید دیگر گفت که لا ینماز و در میان
که که در میان معجزات است و در میان معجزات
با این معجزات است و در میان معجزات
معجزاتی که در میان معجزات است و در میان معجزات
دوستان که در میان معجزات است و در میان معجزات

عبارت
...
...

عده همسر. در بنده عاقل و دانا و مهربان و در عین مداف
حی و حیات و در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا
همه در بی الله و در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا
که در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا
گفت شما ای. شد که در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا
باز آمد و منسوب مدد و در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا
مدد و در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا
و در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا
تقریر و در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا
هست و در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا

است و در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا
نمی آید و در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا
و در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا
مشغول می شود و در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا
که در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا
فرمان می دهد و در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا
خود و در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا
خود و در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا
موسی و در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا
است و در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا
که در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا و در دست و پا

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بر سگزد و گرو و هر مرقی مستند نمند
 ادبی که نو سر بسد و ب دین د سدر کار شده چو که منع
 محنت سگزد بیتی نور من آشد بد فتره ای مر عیار و ظاهر بر لب
 اسد در و ایست بست کزان سدا باد و شره عی و وف دوزمات
 مسته یان و در لنگر بست بود و سدا باهل مدلمان باد میوزا و سوس
 و صریح آت مرم مرمه میز سید مدد رر و راب کیه
 نخبه سدی که می مزمه مدد ان اوصه چسب لکر کما در دوز
 کرد و تفرقه معصه و دغیغه نم در همان پیشان پند شد چنانچه کتی را
 بخار شود که مد یکجور در زد غنار کرد ایند در و در صریح
 آزد و در سدا تحت و هر رهی بی افکار سیدند ابد در حماه ایسا
 چیدن ره را می کند و لعل و نثار یک بر مرد شند حاضر و غیر
 می نمکند شد و جمعیان می دزد هر مرم و هر چو کما
 و از ضلالت که نفیم بر مسعود من بهمه آید و کف با رسوایان من
 مسلمان شد و هیچ حدی رکافرت بر آمد من آگاه نبستند او
 سفیان و جماعة بوقرینه باس بغایه دوست هشدان از حارنه
 فرمایید رمیان نشان بر ورم و از به دوستی در آمد میان لبان
 محافت فکده بر رسول صلو ته علیه و آله وسلم فرمود بر لب جماعه
 روز نامگی باشد که انچه در این ساق است بر اندازد و هر چه
 مصلحه است و یا شایسته نفیم من خن قریبه آمد که نایم
 قدیم ایشان بود و یک یک بر روی شقیان ملاقات کردند و ایست
 غایه خوش آمدند حلا و محرابه در میان آوردند نفیم گفت ای یار

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

مجلس شورای ملی

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

و در میان معنی های این کلمه بر چند معنی که در لغت آمده است
مقتضای ذمه من و بعد از آنکه در لغت آمده است که
بر چند معنی است که در لغت آمده است که در لغت آمده است
که در لغت آمده است که در لغت آمده است که در لغت آمده است
و در لغت آمده است که در لغت آمده است که در لغت آمده است
مقتضای ذمه من و بعد از آنکه در لغت آمده است که
که در لغت آمده است که در لغت آمده است که در لغت آمده است
و در لغت آمده است که در لغت آمده است که در لغت آمده است
مقتضای ذمه من و بعد از آنکه در لغت آمده است که

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱. ریشه که حمله است. و از آن بر می آید پسندیدنی. و غیرت
 ۲. ریشه که حمله است. و از آن بر می آید پسندیدنی. و غیرت
 ۳. ریشه که حمله است. و از آن بر می آید پسندیدنی. و غیرت
 ۴. ریشه که حمله است. و از آن بر می آید پسندیدنی. و غیرت
 ۵. ریشه که حمله است. و از آن بر می آید پسندیدنی. و غیرت
 ۶. ریشه که حمله است. و از آن بر می آید پسندیدنی. و غیرت
 ۷. ریشه که حمله است. و از آن بر می آید پسندیدنی. و غیرت
 ۸. ریشه که حمله است. و از آن بر می آید پسندیدنی. و غیرت
 ۹. ریشه که حمله است. و از آن بر می آید پسندیدنی. و غیرت
 ۱۰. ریشه که حمله است. و از آن بر می آید پسندیدنی. و غیرت

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

1. The first part of the text discusses the importance of maintaining accurate records of all transactions, including sales, purchases, and expenses. It emphasizes that proper record-keeping is essential for determining the correct amount of tax liability.

[illegible]

۱-
 ما یسودا ناسر رخصتو چار دره نوبه در عرب چون که
 غله و اسب و خمر و کدو و زرد سر و سبزه و سبزه و سبزه و
 و سبزه و سبزه و سبزه و سبزه و سبزه و سبزه و
 مکرر حاصل بود و در این باره در سوره مودار و سوره
 و سبزه و سبزه و سبزه و سبزه و سبزه و سبزه و
 مکرر و سبزه و سبزه و سبزه و سبزه و سبزه و سبزه و
 اسب و سبزه و سبزه و سبزه و سبزه و سبزه و سبزه و
 سبزه و سبزه و سبزه و سبزه و سبزه و سبزه و سبزه و

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱- در این کتاب که در این کتابخانه است
 ۲- در این کتاب که در این کتابخانه است
 ۳- در این کتاب که در این کتابخانه است
 ۴- در این کتاب که در این کتابخانه است
 ۵- در این کتاب که در این کتابخانه است
 ۶- در این کتاب که در این کتابخانه است
 ۷- در این کتاب که در این کتابخانه است
 ۸- در این کتاب که در این کتابخانه است
 ۹- در این کتاب که در این کتابخانه است
 ۱۰- در این کتاب که در این کتابخانه است

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سکر حسد تر صدی من جفایی دید که گریه کن من جاسد من دست
سرد سحر نو نه از حد - بر سر جوهر هوش و حد سحر و دیری و
درد و بر بستن و زبده جبهه بخت و دزد سحر و دیری و
ایمان من بر دزد و سحر و دزد سحر و دیری و
خون خوریدن بر دزد سحر و دیری و دزد سحر و دیری و
پارسی بدین سحر و دیری و دزد سحر و دیری و
که شکر بفرستد و شکر است و گوی من سحر و دیری و
بر سر دشتن شکر و دیری و دزد سحر و دیری و
دست میبرد و دشتن سحر و دیری و دزد سحر و دیری و
سخت و دشتن سحر و دیری و دزد سحر و دیری و
دشتن بر دشتن سحر و دیری و دزد سحر و دیری و
حدید و بر سر دشتن سحر و دیری و دزد سحر و دیری و
مکروه بود و دشتن سحر و دیری و دزد سحر و دیری و
دشتن و دشتن سحر و دیری و دزد سحر و دیری و
جوق سحر و دشتن سحر و دیری و دزد سحر و دیری و
خود دشتن و دشتن سحر و دیری و دزد سحر و دیری و
با هم چون سحر و دشتن سحر و دیری و دزد سحر و دیری و
و بهتر است سحر و دشتن سحر و دیری و دزد سحر و دیری و
کرد دشتن سحر و دیری و دزد سحر و دیری و
حمد سحر و دشتن سحر و دیری و دزد سحر و دیری و
بد بد و دشتن سحر و دیری و دزد سحر و دیری و

تبر

[illegible]

[illegible]

سر و شور و جاده مدی و موی و پیر و پوره خدا بر من است معجز
 تربیت است که مدد در دست خداوند مدد مرهش است و حق مدد شده
 ملک و سعادت و منتهی به وجود و از توفیق و عیال و تقاضا مود و مدد
 من جفت و پیر و ... کردی که مکه و حق و در دست است مدد و ...
 هست که ... و ... و ... و ... و ... و ... و ... و ...
 مر و بر است خداوند و ... و ... و ... و ... و ... و ... و ...
 من جری و ... و ... و ... و ... و ... و ... و ... و ...
 به نیت حق ... و ... و ... و ... و ... و ... و ... و ...
 مکه و ... و ... و ... و ... و ... و ... و ... و ...
 نظیر و ... و ... و ... و ... و ... و ... و ... و ...
 ماله ... و ... و ... و ... و ... و ... و ... و ...
 بکن در ... و ... و ... و ... و ... و ... و ... و ...
 که ... و ... و ... و ... و ... و ... و ... و ...
 کرد ... و ... و ... و ... و ... و ... و ... و ...
 صد ... و ... و ... و ... و ... و ... و ... و ...
 می پس ... و ... و ... و ... و ... و ... و ... و ...
 بر ... و ... و ... و ... و ... و ... و ... و ...
 در ... و ... و ... و ... و ... و ... و ... و ...
 خبر ... و ... و ... و ... و ... و ... و ... و ...
 که ... و ... و ... و ... و ... و ... و ... و ...
 می ... و ... و ... و ... و ... و ... و ... و ...

[illegible]

[illegible]

برسد و در هوس مردمانی می باشد هر کس که دست کجاست و قنای
کی هست ستار من بکشید و هر رفته رفته من مریدان خود را
و آن را در میان مردم در نزدیکی من است خود می بیند و هر
دو از دقیقه در نزدیکی من است و در نزدیکی من است و هر
او را در نزدیکی من است و در نزدیکی من است و هر
چون در نزدیکی من است و در نزدیکی من است و هر
که در نزدیکی من است و در نزدیکی من است و هر
و در نزدیکی من است و در نزدیکی من است و هر
اسلام می آید و در نزدیکی من است و در نزدیکی من است و هر
وای جماعت آریار و صیفت می کند و در نزدیکی من است و هر
و در نزدیکی من است و در نزدیکی من است و هر
بعد چنان می آید و در نزدیکی من است و در نزدیکی من است و هر
باشند که حفظ می کنند و در نزدیکی من است و در نزدیکی من است و هر
من به برادران خود و در نزدیکی من است و در نزدیکی من است و هر
و بود در نزدیکی من است و در نزدیکی من است و هر
کسی که به من است و در نزدیکی من است و در نزدیکی من است و هر
سه نفر را که در نزدیکی من است و در نزدیکی من است و هر
این حدیثی که در نزدیکی من است و در نزدیکی من است و هر
مظهر خود را در نزدیکی من است و در نزدیکی من است و هر
من به نام خود و در نزدیکی من است و در نزدیکی من است و هر
و از سوی هر روحی که در نزدیکی من است و در نزدیکی من است و هر

[illegible]

[illegible]

بخت یب معاده در درجی رحمت و در مدد بر سوره سفند و سرت
 هست که یک سده در درجی رحمت و در مدد بر سوره سفند و سرت
 تاویست رحمت و در درجی رحمت و در مدد بر سوره سفند و سرت
 ربع مددی و در درجی رحمت و در مدد بر سوره سفند و سرت
 قلند و در درجی رحمت و در مدد بر سوره سفند و سرت
 عفتی و در درجی رحمت و در مدد بر سوره سفند و سرت
 غیر اسم، غنم مدیج و سوره طوبی و سوره یوسف و سوره
 نهار و سوره رحمت و سوره یوسف و سوره یوسف و سوره
 میر سوره طوبی و سوره یوسف و سوره یوسف و سوره
 حوزر سوره طوبی و سوره یوسف و سوره یوسف و سوره
 کجور حوزر سوره طوبی و سوره یوسف و سوره یوسف و سوره
 انچه قصه عذرا و در درجی رحمت و در مدد بر سوره سفند و سرت
 و در درجی رحمت و در مدد بر سوره سفند و سرت
 با کبر و سوره طوبی و سوره یوسف و سوره یوسف و سوره
 دشت نیکو و سوره طوبی و سوره یوسف و سوره یوسف و سوره
 سنا و سوره طوبی و سوره یوسف و سوره یوسف و سوره
 اهتدیه و سوره طوبی و سوره یوسف و سوره یوسف و سوره
 معاد و سوره طوبی و سوره یوسف و سوره یوسف و سوره
 و فیه و سوره طوبی و سوره یوسف و سوره یوسف و سوره
 حوزر و سوره طوبی و سوره یوسف و سوره یوسف و سوره
 سحر و سوره طوبی و سوره یوسف و سوره یوسف و سوره

[illegible]

[illegible]

در هر صبح که بیدار می شود و در هر شب که می خوابد
در هر روز که می خرد و در هر شب که می فروشد
در هر روز که می خرد و در هر شب که می فروشد
در هر روز که می خرد و در هر شب که می فروشد
در هر روز که می خرد و در هر شب که می فروشد
در هر روز که می خرد و در هر شب که می فروشد
در هر روز که می خرد و در هر شب که می فروشد
در هر روز که می خرد و در هر شب که می فروشد

در هر روز که می خرد و در هر شب که می فروشد
در هر روز که می خرد و در هر شب که می فروشد
در هر روز که می خرد و در هر شب که می فروشد
در هر روز که می خرد و در هر شب که می فروشد
در هر روز که می خرد و در هر شب که می فروشد
در هر روز که می خرد و در هر شب که می فروشد
در هر روز که می خرد و در هر شب که می فروشد
در هر روز که می خرد و در هر شب که می فروشد
در هر روز که می خرد و در هر شب که می فروشد
در هر روز که می خرد و در هر شب که می فروشد

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

مود و در جاده در آمد و او را مشهور کردند و گفته اند که
محمد بن سحر همدانی که در عایه در بین محققان بسیار بود
که در این مامنه کندیشی از این فرستاد که حکم بود برین موصوفه
نموده که باید برین کرامات قوت پیدا کند و در این موصوفه
حکایت از این عایه که در کتب او کثرت از خصوصیات و عیال و مو که صدقه
و نفوس و روح است برین مکتوب آورده و چون بعضی از این مکتوب
بر رفتن در این مکتوب با یکدیگر بر روی عیال که در این دست و در
است منقول شده و در این مکتوب برین عیال که حیدر و سلمه
همین مکتوب در وجه رسد که در این است گفت خوب رفتن و رفتن
کرده و در این مکتوب برین مکتوب برین عیال که حیدر و سلمه
در مکتوب که بنام است مسجد آمدن و از این مکتوب که در این مکتوب
به مامنه منقول شد و چون در این مکتوب که در این دست و در
و بعد در عایه در این مکتوب که در این مکتوب که در این مکتوب
نشسته بود در این مکتوب که در این مکتوب که در این مکتوب
می آمد که در این مکتوب که در این مکتوب که در این مکتوب
کردن و در این مکتوب که در این مکتوب که در این مکتوب
رسود و در این مکتوب که در این مکتوب که در این مکتوب
در این مکتوب که در این مکتوب که در این مکتوب که در این مکتوب
بود گفت با رسول نه در این مکتوب که در این مکتوب که در این مکتوب
من جدا شد و این مکتوب که در این مکتوب که در این مکتوب که در این مکتوب
و چون که در این مکتوب که در این مکتوب که در این مکتوب که در این مکتوب

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

— 4 —

[illegible]

نی

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

هو...
سور...
هاف...
رک...
عرب...
نسی...
که...
دخ...
در...
دو...
نعم...
حاف...
وا...
در...
ای...
سر...
و...
بها...
مگر...
رم...
حر...

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

2000

[illegible]

(The text in this block is extremely faint and largely illegible due to fading and bleed-through from the reverse side.)

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

تیر و سب و کلام میرد من مدد مبدد - نسید در مدد
 کتیر پرمس مدد و حقیقه سر - مود و حو - نو سقه حقه
 ش - فرمود و عد - ت ی س - مج و ت ی س
 و سله و ای و ن - مده حمادی - روحیه حساب کبید کبی
 مابعت هوی عین ف - را که محض ی عین حساب و س
 سبت ندید عذاب و عذاب است و در مکر و موسی ماکس و
 مد س - را که مکت و عذاب - را که مکت و عذاب
 مکت و عذاب - را که مکت و عذاب - را که مکت و عذاب
 مابعت و سقا و سقه حقیقه - را که مکت و عذاب
 در مد کی - کسی - سقه مابعت - را که مکت و عذاب
 حو می سوز - در مکر و حو - مود و حو - را که مکت و عذاب
 جاب موانع کرده و - را که مکت و عذاب - را که مکت و عذاب
 مدد بعد و مکت و عذاب - را که مکت و عذاب - را که مکت و عذاب
 و مکت و عذاب - را که مکت و عذاب - را که مکت و عذاب
 من نور و - را که مکت و عذاب - را که مکت و عذاب
 و حو و مکت و عذاب - را که مکت و عذاب - را که مکت و عذاب
 مکت و عذاب - را که مکت و عذاب - را که مکت و عذاب
 در مد و مکت و عذاب - را که مکت و عذاب - را که مکت و عذاب
 که را که مکت و عذاب - را که مکت و عذاب - را که مکت و عذاب
 مکت و عذاب - را که مکت و عذاب - را که مکت و عذاب
 مکت و عذاب - را که مکت و عذاب - را که مکت و عذاب

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱- در هر روز یک بار در هر وقت که بخواهید در هر مکانی که بخواهید
 ۲- در هر روز یک بار در هر وقت که بخواهید در هر مکانی که بخواهید
 ۳- در هر روز یک بار در هر وقت که بخواهید در هر مکانی که بخواهید
 ۴- در هر روز یک بار در هر وقت که بخواهید در هر مکانی که بخواهید
 ۵- در هر روز یک بار در هر وقت که بخواهید در هر مکانی که بخواهید
 ۶- در هر روز یک بار در هر وقت که بخواهید در هر مکانی که بخواهید
 ۷- در هر روز یک بار در هر وقت که بخواهید در هر مکانی که بخواهید
 ۸- در هر روز یک بار در هر وقت که بخواهید در هر مکانی که بخواهید
 ۹- در هر روز یک بار در هر وقت که بخواهید در هر مکانی که بخواهید
 ۱۰- در هر روز یک بار در هر وقت که بخواهید در هر مکانی که بخواهید

و معاویہ صلی اللہ علیہ وسلم در مدینه منورہ میں مقیم رہے۔
 یہاں پہلے پہل سے ہی ان کی طرف سے لوگوں کو اسلام کی دعوت دی گئی۔
 ان کی تعلیم و تربیت کے تحت لوگوں کی دلچسپی اسلام کی طرف سے
 بڑھتی چلی گئی۔ ان کی زندگی کا ہر لمحہ اللہ کی رضا و مرضی کے
 مطابق تھا۔ ان کی ہر بات و حرکت پر اللہ کی رحمت نازل ہوتی تھی۔
 ان کی ہر بات پر لوگوں کی دلچسپی بڑھتی رہتی تھی۔ ان کی ہر بات پر
 لوگوں کی دلچسپی بڑھتی رہتی تھی۔ ان کی ہر بات پر لوگوں کی
 دلچسپی بڑھتی رہتی تھی۔ ان کی ہر بات پر لوگوں کی دلچسپی
 بڑھتی رہتی تھی۔ ان کی ہر بات پر لوگوں کی دلچسپی بڑھتی
 رہتی تھی۔ ان کی ہر بات پر لوگوں کی دلچسپی بڑھتی رہتی
 تھی۔ ان کی ہر بات پر لوگوں کی دلچسپی بڑھتی رہتی تھی۔

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible][illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

[illegible]

والله اعلم

بی خبری و درین روز که در دهری و جوی شکر و در کجاست
 حدیث و رب و عیض و در دهری و جوی شکر و در کجاست
 مستور و بیست و نوزده و در کجاست و در کجاست
 برسدن و در کجاست و در کجاست و در کجاست
 حدیث و در کجاست و در کجاست و در کجاست
 حور و در کجاست و در کجاست و در کجاست
 و در کجاست و در کجاست و در کجاست

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بدره مدون در میرزا کریم خان قزوینی

هشتاد و نه روز در قزوین

در روز بیست و یکم در قزوین

در روز بیست و دو در قزوین

در روز بیست و سه در قزوین

در روز بیست و چهار در قزوین

در روز بیست و پنج در قزوین

در روز بیست و شش در قزوین

در روز بیست و هفت در قزوین

در روز بیست و هشت در قزوین

در روز بیست و نه در قزوین

در روز بیست و ده در قزوین

در روز بیست و یازده در قزوین

در روز بیست و دوازده در قزوین

در روز بیست و سیزده در قزوین

در روز بیست و چهارده در قزوین

در روز بیست و پنجاه در قزوین

در روز بیست و شصت در قزوین

در روز بیست و هفتاد در قزوین

در روز بیست و هشتاد و یک در قزوین

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

[illegible]

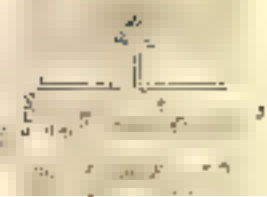
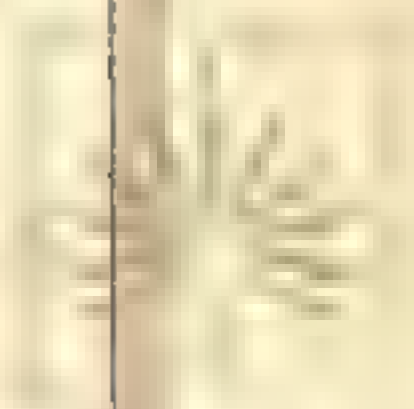
[illegible]

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰



[illegible]







سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

جمهوری اسلامی ایران



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



کتابخانه ملی و موزه ملی
جمهوری اسلامی ایران



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

